

بررسی تاثیر محافظه کاری بر میزان افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سیده مریم آقا ابراهیمیان *

محمد رمضان احمدی **

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۰۱

چکیده:

مدیران به منظور دستیابی به مزایای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، سیاست های اطلاعاتی گوناگونی را بر می گیرند. در راستای نقش اطلاعاتی افشاء و محافظه کاری، این پژوهش به بررسی تاثیر محافظه کاری بر میزان افشاء اختیاری اطلاعات پرداخته است. به منظور سنجش محافظه کاری از شاخص محافظه کاری گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. همچنین اندازه گیری متغیر کیفیت افشاء، با استفاده از امتیازهای افشای شرکتی منتشره توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران، و بر اساس تقسیم شرکت ها به دو گروه شرکت های بزرگ و کوچک انجام گردیده است. داده های پژوهش با استفاده از جامعه آماری شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای دوره ی زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ به روش داده های تلفیقی و رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بررسی فرضیات پژوهش نشان می دهد که بین میزان افشای اختیاری اطلاعات و محافظه کاری یک رابطه منفی

* کارشناس ارشد حسابداری، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، واحد خوزستان، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: financial.scu@gmail.com

** استادیار حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه حسابداری، اهواز، ایران.

Email: m.ramezanahmadi@khuzestan.srbiau.ac.ir

و معنی دار وجود دارد و مطابق با یافته های جنسن و همکاران (۱۹۷۶) میزان افشای اطلاعات در شرکت های بزرگتر، بیشتر از میزان افشای اطلاعات در شرکت های کوچکتر است. یا به عبارتی شرکت های کوچکتر، محافظه کاری بیشتری نسبت به شرکت های بزرگتر دارند.

واژه های کلیدی: کیفیت افشاء، محافظه کاری، داده های تلفیقی، گیولی وهاین.

۱- مقدمه

مشارکت کنندگان در بازار سرمایه، همیشه دنبال اطلاعات مالی باکیفیت هستند و اطلاعات برای تأثیر گذاربودن بر تصمیمات استفاده کنندگان باید کیفیت لازم را داشته باشند. کیفیت اطلاعات تهیه شده به عوامل گوناگونی از قبیل به موقع بودن، بی طرفی، قابلیت پیش بینی و غیره بستگی دارد و عوامل ذکر شده مربوط بودن اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار می دهند. از آنجایی که بین مدیران و سرمایه گذاران (مالکان) تضاد منافع وجود دارد، احتمالاً مدیران در دوره تصدی خود اقدام به بیش نمایی سود ها و کم نمایی زیان ها می کنند. در صورتی که کیفیت افشا پایین باشد، ناقرینگی اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه گذاران بالا می رود و در نتیجه امکان مدیریت سود فرصت طلبانه به وجود می آید. از سوی دیگر به دلیل وجود هزینه های نمایندگی و تحمل این هزینه ها توسط مدیران، آنها مشوق هایی برای ارائه گزارش های مالی باکیفیت دارند. انتظار می رود شرکت های دارای کیفیت افشای بالا، اطلاعات قابل تاییدی در رابطه با عملکرد مالی، ضعف های مالی و سایر رویدادهای نامطلوب ارائه کنند. در این رابطه یکی از ویژگی های کیفی اطلاعات، محافظه کاری است که سابقه ای طولانی در حسابداری دارد.

محافظه کاری در گزارشگری مالی در انتخاب و کاربرد اصول و رویه های حسابداری نقشی تاریخی داشته است. بسیاری از پژوهش های پیشین به این نکته اشاره داشته اند که گزارشگری مالی به سمت محافظه کاری حرکت کرده است و سرعت این حرکت در پاسخ به شرایط اقتصادی و وقوع بحران های مالی در نوسان بوده است. با این روند بسیاری از پژوهشگران تأثیرات دو سویه محافظه کارانه در گزارشگری و افشاء را مورد توجه قرار داده اند.

با توجه به مطالب فوق می توان بیان کرد که به احتمال زیاد شرکت های دارای افشای حسابداری با کیفیت پایین به اعمال محافظه کاری، به منظور پیشبرد اهداف مدیریتی خود دست می زنند. همچنین شرکت هایی که دارای بدهی بالایی هستند و یا زیان ده نیز می باشند سعی می کنند اطلاعات کمتری را افشا نمایند. لذا این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر محافظه کاری بر

میزان افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌ها می باشد و اینکه محافظه کاری در شرکت‌های بزرگتر، بیشتر است یا در شرکت‌های کوچکتر؟

در ادامه مبانی نظری، پیشینه و روش شناسی پژوهش ارایه می شود. در پایان با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات، تجزیه و تحلیل، جمع بندی و نتیجه گیری صورت گرفته است.

۲- مبانی نظری پژوهش

با وجود مبنای نظری مبنی بر تاثیر محافظه کاری بر سیاست های افشاء، سایر ویژگی های شرکت موجب تغییراتی در سطح گزارشگری شرکت ها می گردد. شرکت های بزرگتر به دلیل اندک بودن هزینه های افشاء، سهولت در عرضه اوراق بهادار در بازار سرمایه، دستیابی به منابع تأمین مالی خارجی و اندک بودن اثر مغایر افشاء، به ارائه افشاء تمایل دارند. علاوه بر این بر اساس نتایج پژوهش های جنسن و مک کینگ^۱ (۱۹۷۶)، حساسیت های سیاسی و اجتماعی بر روی شرکت های بزرگ بیشتر بوده و منافع عده ی بیشتری از استفاده کنندگان از اطلاعات در گرو افشای کافی از طرف این شرکت ها می باشد. اما از طرف دیگر شرکت های کوچک امکانات لازم را جهت افشا کامل اطلاعات ندارند و یا اگر بخواهند صورت های مالی را با افشا کامل ارائه دهند مستلزم صرف هزینه های فراوان است که فزونی مخارج بر منافع را در پی خواهد داشت. حداقل به سه دلیل انتظار می رود بین اندازه ی شرکت و محافظه کاری رابطه برقرار باشد:

- ۱- فرضیه ی هزینه های سیاسی
- ۲- فرضیه ی تاثیر تجمیعی رویدادها
- ۳- فرضیه ی افشا (یا عدم تقارن اطلاعاتی)

۲-۱- هزینه های سیاسی

واتس و زیمرمن^۲ (۱۹۸۶) بیان کرده اند که صاحبان قدرت انگیزه دارند که برای انتقال ثروت از شرکت ها به خودشان یا سایر ذینفعان موضع بگیرند. این مواضع به شکل الزام بعضی از شرکت ها به پرداخت مبالغی برای موارد اجتماعی (آلودگی محیط زیست، زلزله، جنگ و...)، تحمیل نرخ های مالیات بالاتر یا محروم کردن آنها از بعضی از مزایا و حقوق صورت می گیرد. هزینه های تحمیل شده به شرکت ها تابعی از اندازه ی آنها است، زیرا شرکت های کوچک تر کمتر

¹- Jensen&W.Meckling

²-Watts&J.Zimmerma

مورد توجه هستند و بنابراین کمتر در معرض انتقال سیاسی ثروت واقع می‌شوند؛ در نتیجه شرکت‌های بزرگ که تحت فشارهای سیاسی هستند، انگیزه‌ی بیشتری برای استفاده از رویه‌های کاهنده‌ی سود خالص و در نتیجه حسابداری محافظه‌کارانه دارند.

۲-۲- تأثیر تجمیعی رویدادها

مفهوم زیربنایی معیار عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان، این است که محافظه‌کاری را می‌توان به وسیله‌ی تفاضل تأثیر تک تک اخبار بد نسبت به اخبار خوب، بر روی سود جاری محاسبه نمود؛ با این حال مشاهده‌ی تک تک رویدادها و نیز تأثیر اقتصادی آن‌ها بر روی سود امکان پذیر نیست. آن چه که قابل مشاهده است، سود تجمیعی دوره و تأثیر تجمیعی رویدادهای دوره بر روی آن است. تأثیر تجمیعی رویدادها نیز معمولاً به وسیله‌ی علامت بازده تجمیعی سهام در مدت دوره اندازه‌گیری می‌شود.

گیولی و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند تأثیر تجمیعی رویدادها (اخبار) بر روی بازده، کمتر از مجموع تأثیر انفرادی آن هاست؛ زیرا هر چه تعداد اخبار بیشتر شود احتمال این که تأثیر اخبار خوب به وسیله‌ی اخبار بد خنثی شود، بیشتر است. از طرفی جریان وقوع رویدادها در محیط فعالیت شرکت‌های بزرگ معمولاً از تناوب و یکنواختی بیشتری، نسبت به محیط فعالیت شرکت‌های کوچک برخوردار است. این امر باعث می‌شود بازده شرکت‌های بزرگ کمتر تحت تأثیر وقوع یک رویداد خاص (انتشار خبر خوب یا بد) قرار گیرد در حالی که بازده شرکت‌های کوچک معمولاً وابسته به یک یا چند رویداد عمده است. در نتیجه محافظه‌کاری اندازه‌گیری شده از طریق معیار عدم تقارن زمانی، در شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک کمتر خواهد بود.

۲-۳- عدم تقارن اطلاعاتی (افشا)

عدم تقارن اطلاعاتی شرایطی است که در آن حالات و گزینه‌های تصمیم‌گیری برای طرفین قرارداد به طور یکسان معلوم و مشخص نباشد، و در نتیجه پیامد خاصی توسط یکی از طرفین در نظر گرفته نشود. عدم تقارن اطلاعاتی افراد داخل شرکت (از جمله مدیران) و سرمایه‌گذاران خارج از شرکت باعث ایجاد تقاضا برای محافظه‌کاری می‌شود؛ زیرا محافظه‌کاری انگیزه و توانایی مدیران را در دستکاری اعداد حسابداری کاهش می‌دهد و از این رو باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان‌های ناشی از آن می‌شود.

هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخل و سرمایه‌گذاران خارج از شرکت بیشتر باشد، تقاضا برای محافظه‌کاری بیشتر خواهد بود. از آنجا که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک، اغلب به طور داوطلبانه یا اجباری مبادرت به تولید و ارائه اطلاعات عمومی بیشتری می‌نمایند و اخبار مربوط به فعالیت آنها به شکل گسترده‌تری در اختیار عموم قرار می‌گیرد، عدم تقارن اطلاعاتی در آن‌ها کمتر است؛ و این باعث کاهش تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه در آنها می‌شود.

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و کیفیت افشای اختیاری اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های بزرگ و کوچک تقسیم بندی شده اند. سوال نخست پژوهش این است که آیا محافظه‌کاری در شرکت‌های کوچک و بزرگ وجود دارد؟ سوال دوم این است که آیا تفاوت معناداری بین درجه محافظه‌کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ و کوچک وجود دارد؟ این پژوهش از آنجا دارای اهمیت است که بطور تجربی به تحلیل‌گران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری چگونه بر کیفیت افشا شرکت‌ها اثر گذار است.

۳- پیشینه پژوهش

در ادامه با توجه به اهمیت موضوع به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور در این زمینه اشاره می‌شود:

راچ و تیلور^۱ (۲۰۱۱) با بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه محافظه‌کاری حسابداری با یافته‌های متفاوتی درباره سودمندی محافظه‌کاری حسابداری در ارتقای کیفیت صورت‌های مالی مواجه شدند. از جمله آن که محافظه‌کاری حسابداری، از طریق ایجاد ذخایر حسابداری نظیر ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، موجب مدیریت سود می‌شود. اما از طرف دیگر آن‌ها به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت افشاء اطلاعات صورت‌های مالی می‌شود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای جلوگیری از ایجاد تضاد منافع میان مدیران و سهامداران، سهامداران و اعتبار دهندگان به کار آید.

¹- Ruch and Taylor

یاتریدیس^۱ (۲۰۱۱) انگیزه های شرکت ها را در ارائه افشای با کیفیت بررسی نمود و به این نتیجه دست یافت که شرکت های بزرگ، سودآور و با نقدینگی بالا، تمایل به ارائه افشای با کیفیت دارند. علاوه بر این، او نشان داد که این شرکت ها نیاز به تأمین مالی دارند و محافظه کاری مشروط کمتری را در صورت های مالی خود اعمال می نمایند.

هوی و همکاران^۲ (۲۰۰۹) فراوانی پیش بینی درآمد مدیریت به عنوان یک پروکسی برای افشای داوطلبانه و تأثیر محافظه کاری را بررسی کردند و ارتباطی منفی میان افشای داوطلبانه و محافظه کاری حسابداری را نشان دادند. این یافته نشان می دهد که گزارش به موقع اخبار بد جایگزین افشای داوطلبانه است. با توجه به موارد ذکر شده، بسیاری از نویسندگان محافظه کاری را موجب کاهش نیاز به افشای اخبار بد می دانند. این یافته ها نشان می دهد که محافظه کاری عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده، موجب تغییر استراتژی افشای مدیریت می گردد.

گیولی، هین و ناتارajan^۳ (۲۰۰۷) با استفاده از مدل سری زمانی، به بررسی قدرت و قابلیت اتکای معیار اثر تجمیعی رویدادها در اندازه گیری محافظه کاری پرداختند. نتایج آن ها بازگوکننده این بود که تأثیر تجمیعی رویدادها در شرکت های بزرگتر باعث می شود محافظه کاری در صورت های مالی آن ها نسبت به شرکت های کوچک تر، کمتر باشد.

شهبازی و مشایخی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه ی شرکت و هزینه ی سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیر مشروط پرداختند. آنان برای سنجش محافظه کاری مشروط از الگوی احمدو دولمان (۲۰۰۷) و محافظه کاری غیر مشروط از الگوی بیور وریان^۴ (۲۰۰۰) استفاده نمودند و برای بررسی این رابطه اطلاعات ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ را مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق داده های پانل وبا استفاده از الگوی اثرات ثابت انجام گرفته وبر اساس نتایج بر گرفته از این پژوهش، رابطه ی معنادار منفی اندازه ی شرکت تنها در الگوی محافظه کاری غیر مشروط مورد تایید قرار گرفت است.

نیکبخت و حاجی عظیمی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر محافظه کاری مشروط بر قابلیت اتکای اطلاعات و به موقع بودن افشاء پرداختند. آنان فرضیات پژوهش خود را با استفاده از اطلاعات ۱۴۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ مورد

¹-Yateridis

²-Hui,S.Matsunaga&D.Morse

³-Givoly,Hayn&A.Natarajan

⁴-Beaver&Ryan

بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین کیفیت افشاء و محافظه کاری مشروط رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر محافظه کاری مشروط و افزایش کیفیت افشاء به عنوان دو سیاست اطلاعاتی جانشین به کار می‌روند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که محافظه کاری مشروط رابطه منفی معناداری با به موقع بودن افشاء دارد و کاهش تمایل مدیران به ارائه به موقع اطلاعات را به دنبال دارد. علاوه بر این، نتایج بر گرفته از این پژوهش حاکی از آن بود که اعمال محافظه کاری مشروط، قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و موجب افزایش نوسان در پیش‌بینی‌ها و تفاوت آن با مقادیر واقعی می‌گردد.

کردستانی و خلیلی (۱۳۹۰) تأثیر محافظه کاری بر محتوای اطلاعاتی تفضلی جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی را اثبات کردند و نشان دادند که این محتوای اطلاعاتی در شرکت‌های با درجه محافظه کاری زیاد، بیشتر از شرکت‌هایی با درجه محافظه کاری کم است و بین محتوای اطلاعاتی تفضلی با رتبه محافظه کاری شرکت‌ها همبستگی مثبتی وجود دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است :

فرضیه اول: افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک تأثیر معنی داری بر محافظه کاری دارد.

فرضیه دوم: افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ تأثیر معنی داری بر محافظه کاری دارد.

فرضیه سوم: بین درجه محافظه کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ و کوچک تفاوت معناداری وجود دارد.

۴-۱- روش جمع آوری اطلاعات، جامعه آماری و نمونه

این پژوهش از نوع کاربردی و در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام است. برای بررسی وجود یا عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها، از آماره‌ی دوربین- واتسن استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۰ به مدت ۶ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه‌ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل می‌شود:

- (۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۸۵ سهام آن در بورس معامله شده باشد.
- (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره پژوهش نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد.
- (۳) شرکت نباید در طول دوره پژوهش، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، در بورس اوراق بهادار دچار وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نشده باشد.
- پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۹۷ شرکت، همگی شرایط حضور در جامعه آماری را داشته‌اند. لذا ۹۷ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب و از نمونه گیری دیگری استفاده نشده است. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی 7 Eviews انجام شد. نحوه انتخاب تعداد شرکت‌های جامعه آماری در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۱): نحوه انتخاب تعداد شرکت‌های جامعه آماری

تعداد	تعداد	شرح
۳۷۵		تعداد شرکت‌های موجود در بورس تهران تا پایان سال ۱۳۹۰.
	۲۵	تعداد شرکت‌هایی که طی قلمرو زمانی پژوهش وارد بورس شده‌اند.
	۱۱۸	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها طی دوره مالی ۱۲/۲۹ ختم نمی‌شود.
	۲۸	تعداد شرکت‌هایی که به فعالیت واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری اشتغال دارند.
	۱۰۵	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای محاسبه متغیرها ناقص یا در دسترس نبوده‌اند.
۲۷۶		جمع
۹۷		تعداد شرکت‌های جامعه آماری

ماخذ: محاسبات پژوهشگران

۵- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۵-۱- متغیر وابسته: محافظه کاری

این پژوهش شاخص محافظه کاری حسابداری را با استفاده از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰)، محاسبه و اندازه‌گیری می‌کند. مدل مزبور در ذیل آورده شده است:

$$CONS_{it} = \frac{accrual}{ASSETS_t} * (-1) \quad \text{رابطه (۱):}$$

که در آن: Accrual: اقلام تعهدی عملیاتی، assets: جمع دارایی‌ها در اول دوره می باشد.

اقدام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید. به عقیده گیولی و هین (۲۰۰۰) رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می‌یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود. دلیل انتخاب مدل بالا برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری به قرار زیر است:

الف) مدل‌های موجود برای اندازه گیری محافظه کاری از جمله مدل باسو و مدل پنمن و ژانگ که در برخی از پژوهش‌های داخلی نیز از آنها استفاده شده، در اندازه گیری محافظه کاری با خطای زیادی مواجه هستند.

ب) اطلاعات مدل مورد استفاده این پژوهش، مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص‌های بازار استفاده نمی‌شود. لذا با توجه به دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی، برای اندازه گیری محافظه کاری نهفته در صورتهای مالی، این مدل نسبت به سایرمدل‌ها برای بازارهای در حال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران، مناسب تر است.

۵-۲- متغیرهای مستقل: افشای اختیاری

متغیر مستقل این پژوهش، سطح افشای اختیاری یا داوطلبانه است. برای سنجش این متغیر از امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه "کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب" منتشر می‌شود، استفاده می‌شود. امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته شده برای دوره های ۳، ۶، ۹ و ۱۲ ماهه محاسبه و توسط سازمان بورس و اوراق بهادار هر سال منتشر می‌گردد. این امتیازها، ارزیابی بورس درباره میزان آگاهی بخشی افشای شرکتی را منعکس می‌نماید. مزایا و دلایل استفاده از این معیار سنجش کیفیت افشا به شرح زیر است.

الف) امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی از قبیل زمان ارائه اطلاعات مربوط و تفاوت پیش بینی‌ها با نتایج واقعی محاسبه شده است. بنابراین، معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است.

ب) برخلاف پژوهش‌های انجام شده در زمینه افشا در بورس اوراق بهادار تهران که اغلب در خصوص افشای اجباری می‌باشند، این پژوهش افشا اختیاری اطلاعات را بررسی می‌کند.

پژوهش های قبلی نشان دادند که سطح افشا با تمرکز مالکیت، اندازه و اهرم شرکت، همبستگی دارد. لانگ و لاندلم (۱۹۹۶) به این نتیجه رسیدند که شرکت های با شاخص افشای بالاتر، نسبت به شرکت های با شاخص پایین تر بزرگترند. همچنین لاندلم و مایرز (۲۰۰۲)، رشد گذشته و زیان حسابداری را به عنوان متغیرهای کنترل، در نظر گرفتند. لذا در این پژوهش نیز برای قیاس با پژوهش های دیگران از اهرم مالی و زیان شرکت به عنوان متغیر کنترلی استفاده خواهد شد.

اندازه شرکت بدین صورت محاسبه می شود که در ابتدا میانگین جمع کل دارایی های شرکت ها محاسبه و شرکت هایی که میزان دارایی های آنها از میانگین مجموع دارایی ها بیشتر باشد اصطلاحاً شرکت های بزرگ و شرکت هایی که دارایی های آنها از میانگین کمتر باشد را شرکت های با اندازه کوچک تلقی می نماییم. سپس شرکت ها را به دو گروه بزرگ و کوچک تقسیم کرده و میزان اندازه شرکت را در متغیر مستقل یعنی افشا ضرب می نماییم. ضریب بدست آمده در مدل رگرسیون نشان دهنده نوع رابطه بین اندازه شرکت ها و درجه محافظه کاری خواهد بود. ضمنابه دلیل بزرگ بودن حاصلضرب میزان دارایی ها در کیفیت افشا، از لگاریتم حاصلضرب مزبور استفاده شده است تا اعداد دارای همگنی و تجانس بیشتری باشند.

۵-۳- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش از دو متغیر اهرم شرکت و زیان استفاده شده است. معمولاً شرکت های با بدهی بالا معمولاً افشای کمتری دارند در واقع سعی می کنند اطلاعات کمتری را در مورد میزان وام ها، وثیقه ها، دارایی های در رهن بانک و... افشا نمایند لذا هر چه شرکت دارای اهرم مالی بالاتری باشد سطح کمتری از اطلاعات را افشا خواهد کرد. همچنین شرکت هایی که دارای زیان می باشند نیز معمولاً سعی می کنند اطلاعات کمتری را افشا نمایند.

۵-۳-۱- اهرم

با این نسبت کل وجوهی که از محل بدهی ها تأمین شده محاسبه می شود و از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها به دست می آید. این نسبت نشان می دهد که چه مقدار از دارایی های شرکت از طریق بدهی و استقراض و چه میزان از طریق سرمایه تأمین شده است. معمولاً شرکت های که از نسبت اهرمی بالایی برخوردارند اطلاعات کمتری را افشا می نمایند.

$$L = \frac{Debt_{it}}{Asset_{it}} \quad \text{رابطه (۲):}$$

۵-۳-۲- زیان شرکت

برابر زیان گزارش شده در صورت سود و (زیان) موجود در صورت‌های مالی می‌باشد.

۵-۴- مدل‌های استفاده شده برای آزمون فرضیه های پژوهش

مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل مدل ۱ و ۲ که به ترتیب نشان دهنده مدل رگرسیونی شرکت‌های کوچک و بزرگ خواهد بود به شرح زیر خواهد بود:

مدل (۱):

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 VD_{it} + \beta_2 SizeSmall_{it} * VD_{it} + \beta_3 Loss_{it} + \beta_4 Leve_{it} + \epsilon_{it}$$

مدل (۲):

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 VD_{it} + \beta_2 Size_{it} Big * VD_{it} + \beta_3 Loss_{it} + \beta_4 Leve_{it} + \epsilon_{it}$$

ضریب β_2 نشان دهنده رابطه بین اندازه شرکت‌ها و درجه محافظه‌کاری خواهد بود. CONS: شاخص محافظه‌کاری، VD: شاخص افشای اختیاری، $SIZEBIG * VD$: ضریب اندازه شرکت‌های بزرگ در افشا، $SIZESMALL * VD$: ضریب اندازه شرکت‌های کوچک در افشا، LOSS: زیان شرکت، LEVE: اهرم مالی شرکت، β : ضرایب و ϵ : جزء خطا است.

۶- آزمون فرضیات پژوهش

۶-۱- آزمون پایداری متغیرهای پژوهش: آزمون ریشه واحد

قبل از تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها باید پایداری متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. پایداری متغیرها به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. آزمون ریشه واحد با استفاده از روش‌های آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، آزمون ایم، پسران و شین (۲۰۰۳)، آزمون ریشه واحد فیشر دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون ریشه واحد فیشر فلیپس پرو (۲۰۰۱) انجام شده است. نتایج آزمون پایداری متغیرها نشان می‌دهد که

p.value تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می‌باشند؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها رد می‌شود.

جدول (۲): آزمون ریشه واحد برای متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		ایم، پسران و شین		دیکی فولر تعمیم یافته		فیشر، فلیس / پرو	
	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره
Cons	-۲۶,۲۱	۰,۰۰۰	-۵,۵۴	۰,۰۰۰	۴۶۱,۴	۰,۰۰۰	۶۰۸,۲	۰,۰۰۰	p.v
Vd	-۱۴,۰۶	۰,۰۰	-۱۲,۱۳	۰,۰۰۱	۲۸۴,۵	۰,۰۰۱	۳۷۲,۳	۰,۰۰۰	p.v
Sizebig*vd	-۵,۰۱	۰,۰۰۰	-۵,۳۵	۰,۰۲	۱۵۲,۳	۰,۰۰	470.3	۰,۰۴۵	p.v
Sizesmall*vd	-۸,۱۲۵	۰,۰۰۰	-۹,۲۷۹	۰,۰۰	۲۰۵,۸	۰,۰۱۲	۲۴۷,۳	۰,۰۱۲	p.v

ماخذ: محاسبات پژوهشگران

۲-۶- مراحل تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

پیش از آنکه به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شود، ابتدا به نحوه تخمین مدل‌ها اشاره می‌شود. به منظور تخمین مدل‌های پژوهش از تکنیک داده‌های تلفیقی استفاده شده است. تخمین معادلات با استفاده از داده‌های تلفیقی و برای همه شرکت‌های نمونه در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ انجام گرفت. آنگاه بر اساس این تخمین‌های به دست آمده و به کمک آزمون‌های آماری t و احتمال محاسبه شده (p-value) به قضاوت و ارزیابی در مورد هر یک از فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

سوآلی که اغلب در مطالعات کاربردی مطرح می‌شود این است که آیا شواهدی دال بر قابلیت ادغام شدن داده‌ها وجود دارد یا این که مدل برای تمام واحدهای مقطعی متفاوت است. برای این منظور سوآلی که مطرح می‌شود این است که آیا ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی بین مقاطع وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود ناهمگنی از روش داده‌های تابلویی و در غیر این صورت از روش داده‌های تلفیقی با رویکرد حداقل مربعات معمولی جهت تخمین مدل استفاده می‌شود. در ادامه به بررسی وجود این تفاوت‌های فردی از طریق آزمون F لیمر پرداخته می‌شود.

۳-۶- آزمون F لیمر یا چاو (بررسی همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر استفاده شد. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. نتیجه این

آزمون که در جدول (۳) به شرح زیر می‌باشد نشان می‌دهد که در هر دو مدل، مقاطع مورد بررسی همگن بوده و روش داده‌های تلفیقی مناسب تر می‌باشند.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو (F مقید) در بررسی دو مدل پژوهش

نوع آزمون	نتیجه آزمون	df	p-value	آماره t	مدل های پژوهش	آزمون چاو
مدل داده‌های تلفیقی pooled data	H_0 رد نمی‌شود	۵,۳۶۰	۰,۰۶	۲,۱۰۸	مدل (۱)	عرض از مبدأهای مقاطع یکسان می‌باشند
مدل داده‌های تلفیقی pooled data	H_0 رد نمی‌شود	۵,۱۹۱	۰,۰۹	۳,۲۱	مدل (۲)	

منبع: محاسبات پژوهشگران

در راستای رسیدن به اهداف پژوهش که به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد نتایج به شرح زیر بدست آمده است:

۶-۴- نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

در این فرضیه به بررسی رابطه‌ی بین درجه محافظه‌کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتایج آزمون مدل پژوهش و آماره‌ی t مزبور به فرضیه‌ی اول در جدول شماره‌ی (۳) نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره‌ی p -value برای متغیر فرضیه‌ی اول، یعنی افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک ۰,۰۰۰ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۵٪ بوده است، بنابراین متغیر افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری داشته است و فرضیه‌ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۹٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر مستقل اول یعنی افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین این متغیر و محافظه‌کاری رابطه‌ای منفی و مستقیم بوده و با افزایش افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های کوچک، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد.

یا به عبارت دیگر هر چه شرکت کوچکتر باشد اطلاعات کمتری را افشا می‌کند و درجه محافظه کاری بیشتری را نیز خواهد داشت. همچنین بین متغیرهای کنترلی و محافظه کاری یک رابطه مثبت وجود دارد بدین معنی که شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالایی هستند (نسبت بدهی بالا) و شرکت‌های زیان ده؛ معمولاً محافظه کاری بیشتری را در دستور کار خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند اطلاعات کمتری را در مورد زیان ها و بدهی های خود افشا نمایند. در نتیجه؛ افشای کمتر و محافظه کاری بیشتری خواهند داشت.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه اول

F-static p-value	p-value	t-static	ضریب	پارامتر	شرح
۱۵,۰۲ ۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۳,۶۵۹	۰,۴۸۱	β_0	عرض از مبدأ
	۰,۰۰۴	۲,۸۹	-۰,۱۱۵	β_1	VD
	۰,۰۰۰	-۳,۷۸	-۰,۱۷۳	β_2	SmallSize*VD
	۰,۰۰۰	-۳,۳۲	۰,۰۷	β_3	Loss
	۰,۰۰۰	۴,۸۱	۰,۰۳	β_4	Leve
۰,۳۶۳					R-squared
۰,۳۴۱					Adjusted-R-squared
۱,۷۰۵					D-W

منبع: محاسبات پژوهشگران

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، آماره ی F با سطح اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل پژوهش در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین حاصل از آزمون مدل ۰,۳۶ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰,۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی محافظه‌کاری ناشی از متغیرهای مستقل و کنترل موجود در مدل بوده و ۰,۶۴ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است.

همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین -واتسن موید این مطلب است که بین اجزا اخلال مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش، ضرایب مدل به صورت رابطه‌ی زیر خواهد بود:

مدل (۳) :

$$CONS_{it}=0.481-0.115VD_{it}smallSize_{it}*VD_{it}+0.07Loss_{it}+0.03Leve_{it}+\varepsilon_{it}$$

۶-۵- نتایج آزمون فرضیه دوم

در این فرضیه به بررسی رابطه‌ی بین درجه محافظه‌کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتایج آزمون مدل پژوهش و آماره‌ی t مزبور به فرضیه‌ی دوم در جدول شماره‌ی (۵) نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره‌ی p -value برای متغیر فرضیه‌ی دوم، یعنی افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ ۰,۰۰۰ می‌باشد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۵٪ بوده است، بنابراین متغیر افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ تاثیر معناداری بر محافظه‌کاری داشته است و فرضیه‌ی دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۹٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر مستقل دوم یعنی افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین این متغیر و محافظه‌کاری رابطه‌ای منفی و مستقیم بوده و با افزایش افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. البته شدت این رابطه منفی کمتر از شدت درجه محافظه‌کاری در شرکت‌های کوچک می‌باشد. همچنین بین متغیرهای کنترلی و محافظه‌کاری یک رابطه مثبت وجود دارد بدین معنی که شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالایی هستند (نسبت بدهی بالا) و شرکتهای زیان ده؛ معمولا محافظه‌کاری بیشتری را در دستور کار خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند اطلاعات کمتری را در مورد زیان‌ها و بدهی‌های خود افشا نمایند. در نتیجه؛ افشای کمتر و محافظه‌کاری بیشتری خواهند داشت.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم

شرح	پارامتر	ضریب	t-static	p-value	F-static p-value
عرض از مبدأ	β_0	-۰٫۱۲	-۳٫۸۳	۰٫۰۰۰	۱۴٫۷۹ ۰٫۰۰۰
VD	β_1	-۰٫۲۵۲	-۳٫۴۴	۰٫۰۰۰	
bigSize*VD	β_2	-۰٫۳۲۵	۳٫۴۲	۰٫۰۰۰	
Loss	β_3	۰٫۲۱	-۲٫۱۰	۰٫۰۲	
Leve	β_4	۰٫۰۶	۴٫۰۵	۰٫۰۰۰	
R-squared	۰٫۵۷۸				
Adjusted R-squared	۰٫۵۳۲				
D-W	۱٫۵۵۰				

منبع: محاسبات پژوهشگران

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، آماره ی F با سطح اطمینان ۹۹٪ معنی دار است. بنابراین، مدل پژوهش در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده ی حاصل از آزمون مدل ۰,۵۳ بوده است. این رقم نشان می دهد که حدوداً ۵۳٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی محافظه کاری ناشی از متغیرهای مستقل و کنترل موجود در مدل بوده و ۴۷٪ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است.

همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین -واتسن موید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می باشند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش، ضرایب مدل به صورت رابطه ی زیر خواهد بود:

مدل (۴):

$$CONS_{it} = -0.12 - 0.252VD_{it} + bigSize_{it} * VD_{it} + 0.21Loss_{it} + 0.06Leve_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه سوم بیان می کند که بین درجه محافظه کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت های بزرگ و کوچک تفاوت معناداری وجود دارد.

محافظه کاری انگیزه و توانایی مدیران را در دستکاری اعداد حسابداری کاهش می‌دهد و از این رو باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان‌های ناشی از آن می‌شود. هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخل و سرمایه‌گذاران خارج از شرکت بیشتر باشد، تقاضا برای محافظه کاری بیشتر خواهد بود. از آنجا که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک، اغلب به طور داوطلبانه یا اجباری مبادرت به تولید و ارائه اطلاعات عمومی بیشتری می‌نمایند و اخبار مربوط به فعالیت آنها به شکل گسترده‌تری در اختیار عموم قرار می‌گیرد، عدم تقارن اطلاعاتی در آنها کمتر و افشای اطلاعات بیشتری خواهد داشت؛ و این باعث کاهش تقاضا برای حسابداری محافظه کارانه در آنها می‌شود. در نتیجه محافظه کاری در شرکت‌های بزرگ، کمتر از شرکت‌های کوچک است.

برای تعیین وجود تفاوت درجه محافظه کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ و کوچک مقایسه ضرایب این دو متغیر استفاده می‌کنیم. همانطور که در جدول (۳) و (۴) مشخص است ضریب افشای اطلاعات در شرکت‌های با اندازه کوچک ۰,۱۷- بوده در حالی که این ضریب برای شرکت‌های بزرگ ۰,۳۲- بوده است. این نتیجه بدان معنی است که بین درجه محافظه کاری و افشاء اختیاری اطلاعات در شرکت‌های بزرگ و کوچک تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر میزان درجه محافظه کاری در شرکت‌های کوچکتر بیشتر از محافظه کاری در شرکت‌های بزرگتر است. ($0.17 < -0.32$). همچنین برای تعیین وجود تفاوت معنادار بین ضرایب از آزمون t-test استفاده گردید که نتایج نشان داد بین ضرایب تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش جنسن و مک کینگ (۱۹۷۶)، واتس و زیمرمن (۱۹۸۶)، گیولی، هین و ناتارجان (۲۰۰۷)، لافوند و واتز (۲۰۰۸) و نیکبخت و حاجی عظیمی (۱۳۹۱) مبنی بر بالا بودن کیفیت افشا در شرکت‌های بزرگ (کمتر بودن محافظه کاری) نسبت به شرکت‌های کوچک مطابقت دارد.

۷- بحث و نتیجه گیری

کیفیت افشا و ارائه گزارش‌های مالی مربوط و قابل اتکا، از جمله موضوع‌های مهم در حوزه مالی و حسابداری است. شرکت‌ها می‌توانند از طریق ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت به ارزش بهتری دست یابند و مورد توجه تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران قرار گیرند. گزارش‌های مالی با کیفیت به ارزیابی عملکرد مدیران و تصمیمات سرمایه‌گذاری صحیح کمک می‌کند. کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند از طریق اعمال محافظه کاری کمتر و شفافیت اطلاعاتی بیشتر، افزایش یابد. در این پژوهش فرض شد که رعایت الزامات افشا منجر به کاهش محافظه کاری

می‌شود و شرکت‌های با اندازه بزرگتر و کیفیت افشای بیشتر، اقدام به اعمال محافظه‌کاری کمتری می‌کنند. برای اندازه‌گیری کیفیت افشا، از رتبه کلی داده شده به شرکت‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که با افزایش کیفیت افشا، میزان محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که الزامات افشای اطلاعات را رعایت می‌کنند، کمتر اقدام به محافظه‌کاری می‌نمایند. همچنین شدت اعمال محافظه‌کاری در شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ می‌باشد.

۸- پیشنهادها

طبیعی است نتایج این پژوهش براساس اطلاعات موجود و محدودیت‌های زمانی و مکانی به‌دست آمده است و به نظر می‌رسد برای تکامل آن پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های زیر نیز انجام گیرد:

الف- در این پژوهش از امتیاز کلی کیفیت افشای سال شرکت‌ها استفاده شد؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از امتیازهای به موقع بودن و قابل اتکا بودن به صورت جداگانه استفاده و رابطه آن‌ها با محافظه‌کاری بررسی شود.

ب- در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل گیولی و هین استفاده شده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر مدل‌های اندازه‌گیری مانند مدل باسو استفاده شود.

ج- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و نامشروط با سطح کیفیت افشای اطلاعات پرداخته شود.

منابع

- ۱- اعتمادی، حسین؛ امیرخانی، کوروش؛ رضایی، محبت، (۱۳۹۰)، «محتوای ارزشی افشای اجبای : شواهدی از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، شماره ۱۳، سال چهارم. صص ۲۳۵-۲۵۲.
- ۲- کردستانی، غلامرضا و خلیلی، مهدی، (۱۳۹۰)، «تأثیر محافظه کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی، جریان های نقدی و اقلام تعهدی»، **فصلنامه دانش حسابداری**، ش ۴، صص ۵۳-۱۱۴.
- ۳- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۶)، **استانداردهای حسابداری ایران**، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۴- لشکری، زهرا و شیرزادی، نادر، (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سطح افشاء و بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی**، سال ۱، شماره سوم، صص ۹۱-۷۵.
- ۵- مجید شهبازی و بیبا مشایخی، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه ی شرکت و هزینه ی سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیر مشروط، **مجله دانش حسابداری**، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۳۳ تا ۵۴.
- ۶- نیکبخت، محمدرضا و حاجی عظیمی، فرزاد، (۱۳۹۱)، «تأثیر محافظه کاری مشروط بر قابلیت اتکای اطلاعات و به موقع بودن افشاء». **پژوهش های حسابداری مالی**، سال پنجم، شماره دوم، شماره ۱۶، صص ۳۳-۵۲.
- 7- Ahmad,k. And Verrecchia, R.E "The economic Consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research* 38, 1999, 91-124.
- 7- Ahmad,k. And Verrecchia, R.E "The economic Consequences of increased disclosure. **Journal of Accounting Research** 38, 1999, 91-124.
- 8- Basu, S. "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". **Journal of Accounting and Economics**, 24, 1997, 3-37.
- 9- Cano-Rodrguez, M. "Big auditors, private firms and accounting conservatism: Spanish evidence". **European Accounting rview**, 19(1), 2010, 131-159.
- 10- Givoly D., Hayn C. The changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting

- Become More Conservative?, **Journal of Accounting and Economics**; 29(3):2000, 287- 320.
- 11-Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan. Measuring reporting conservatism. **The Accounting Review**, 2007; 82: 65-106.
- 12- Hendriksen, Eldon .S and Van Breda, Michael .F , **Accounting Theory** ,McGraw-Hill; 1992.
- 13- Hui, K., S. Matsunaga, and D.Morse. The impact of conservatism on management earnings forecasts. **Journal of Accounting & Economics**, 47 (3), 2009.(Jun),192.
- 14-Iatridis, M.Accounting discloser, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. **International review of financial analysis**, 2011, pp.88-102.
- 15- Jensen, M. and W. Meckling. "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs 16- Lobo, G. J. and Zhou, J. Did Conservatism in Financial Reporting Increase After the Sarbanes-Oxley Act?Initial Evidence. **Accounting Horizons**, 2006, 20, 57-73.
- 16-Lang, M., and R. Lundholm, "Corporate disclosure policy and analyst behavior". **Accounting Review**, 1996, 71, 467–492.
- 17- Lundholm, R, and mayers, I , 2002, Bringing the futher forward ; the effect of disclosure on the return- earning , **jornal of finance** , 50 ; 573-608.
- 18- LaFond, R., Watts, R. The information role of conservatism. **The Accounting Review** 2008; 83 (2): 447–478.
- 19- Petersen, C. And T. Plenborg (2006)."Voluntary disclosure and information asymmetry in Denmark". **Journal of International Accounting Auditing & Taxation** 15(2): pp 127.
- 20-Singhvi, S.S. and Desai, H.B. (1971), an Empirical Analysis of Financial Disclosure, **Accounting Review**, 46(1), pp. 129-139.
- 21-Watts, R., and J. Zimmerman. Positive Accounting Theory, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall; 1986.
- 22- Yateridis W.Bankruptcy and Insolvency Accounting "Practice and procedure; New York: The Ronald Press Company.2011.